



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۵/۲۲

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی کاربرد یادگیری مسئله‌محور در برنامه‌ریزی درسی

طاهره فیاضمند^۱، رحیمه صالحی^۲، سیده سمیه موسوی^۳، شکوفه فلسفیان دوست^۴، صدیقه پریزان^۵

۱- کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس بنت الهدی صدر بوشهر

۲- کارشناسی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

۳- کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه پیام نور واحد سمیرم

۴- کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس کوثر

۵- کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس کوثر

چکیده

یادگیری مسئله‌محور یک روش آموزشی یادگیرنده‌محور است که هدف آن توسعه مهارت‌های حل مسئله از طریق یادگیری خودراهبر به عنوان یک عادت در طول زندگی و مهارت‌های کار گروهی است. موقعیت‌های نامرتب، نامرتب و ساختار نامناسب در اختیار یادگیرندگان قرار می‌گیرد که در آن‌ها نقش مالک موقعیت را بر عهده می‌گیرند. یادگیرندگان مشکل را مشاهده می‌کنند و در مورد راه حل یاد می‌گیرند، در مقایسه با یادگیری مبتنی بر سخنرانی کلاسیک، یادگیری مسئله‌محور دارای مزایای زیادی است. برخی از مزایای این است که یادگیری را برای دنیای واقعی مفید می‌کند، تشویق می‌کند و انگیزه می‌دهد که چگونه یاد بگیرند، یادگیرندگان را درگیر یادگیری مشابه دنیای واقعی می‌کند. یادگیری مسئله‌محور نه تنها بر حل مسئله تمرکز دارد، بلکه مسئولیت توسعه سایر مهارت‌ها و ویژگی‌ها را نیز بر عهده دارد. یادگیرندگان در کلاس درس که رویکرد حاکم بر آن مسئله‌محور است مهارت‌های اجتماعی خود را بهبود می‌بخشند زیرا فرصت‌های بیشتری برای تمرین استفاده از زبان برای برقراری ارتباط معتبر دارند. اگر یادگیرندگان و آموزگاران در درک فعال یا معنادار مشکل داشته باشند، اجرای برنامه درسی مسئله‌محور در یک محیط کلاس درس کلاسیک دشوار است. برنامه درسی مسئله‌محور از یادگیرندگان می‌خواهد که در راهبردهای یادگیری فعال به عنوان یک گرایش یادگیری خودراهبر شرکت کنند. این نشان دهنده یک تغییر پارادایم از آموزش به روش کلاسیک و یادگیری فلسفه است. در این مقاله به بررسی سازوکار یادگیری مسئله‌محور در نظام آموزش و پرورش پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: برنامه درسی، یادگیری مسئله‌محور، چشم انداز، یادگیرنده، آموزگار، ابتدایی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

در یادگیری مسئله‌محور مسائل برای حل مسئله به یادگیرندگان ارائه می‌شود. در رویکرد کلاسیک آموزگار عامل اصلی در برنامه درسی است اما در رویکرد نوین یادگیرندگان در راس توجه قرار دارند. چالش‌ها زمانی تشدید می‌شوند که آموزگاران نتوانند بحث‌های گروهی را تسهیل کنند، مسائل معتبری بسازند و یادگیرندگان را در فرآیند حل مسئله راهنمایی کنند. به طور مشابه، یادگیرندگان وقتی نمی‌توانند به خوبی در گروه کار کنند، به طور فعال تصمیم‌گیری یا ایده‌های مرتبط با مشکل را تولید کنند، شکست می‌خورند. یادگیرندگان همچنین ممکن است از نظر تحلیل انتقادی که در برنامه درسی مسئله‌محور که خود نیز امری حیاتی است شکست بخورند.

توجه به تفاوت‌های فردی فراگیران یک عنصر مهم از برنامه درسی یادگیرنده محور است. پس از راه اندازی آموزش اجباری دوازده ساله، شناخت تنوع یادگیری در کلاس‌های امروزی ضروری است. تمایز به "مفهوم برآورده کردن نیازهای فردی هر یادگیرنده، سفارشی کردن آموزش برای کمک به یادگیرندگان برای یادگیری" اشاره دارد.

رویکرد نوین آموزشی، یادگیرنده‌محور دارای حوزه گسترده‌ای است. که در تمام این حوزه‌ها یادگیرنده در مرکز توجه قرار دارد و مبتنی بر نیازهای یادگیرندگان است. یادگیری مسئله‌محور یک روش آموزشی یادگیرنده‌محور است که هدف آن توسعه مهارت‌های حل مسئله از طریق یادگیری خودراهبر به عنوان یک عادت در طول زندگی و مهارت‌های کار گروهی است. اجرای این نوع از رویکرد و برنامه درسی زمانی محقق خواهد شد که هم یادگیرندگان و هم آموزگاران باید از این نوع رویکرد اطلاع کافی داشته باشند. در کلاس‌های درس کلاسیک یا آموزگار محور اجرای روش تدریس مبتنی بر این روش دشوار است زیرا آموزگاران و یادگیرندگان از آن اطلاع کافی ندارند. در حالی که اگر از این نوع رویکرد استفاده کنند می‌توانند حتی به بسیاری از مسائل اجتماعی نیز پاسخ بدهند. مسائل زندگی واقعی طبیعتاً فرا رشته‌ای هستند، بنابراین رویکرد مسئله‌محور معمولاً برنامه درسی را به روش‌های طبیعی ادغام می‌کنند. یک سناریوی خوب برای حل مسئله باید از تحلیل‌های زمینه‌ای و یادگیرنده کافی سرچشمه بگیرد. در این رویکرد، یادگیرندگان تشویق می‌شوند تا دانش کسب شده و تفکر مرتبه بالاتر خود را برای حل مشکلات اجتماعی واقعی به کار گیرند علاوه بر این امر از جمله یادگیری‌هایی که در زمره یادگیری مسئله‌محور و یادگیری یادگیرنده‌محور قرار دارد، یادگیری متمایز است. با توجه اهمیت موضوع هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی چشم انداز برنامه درسی مسئله‌محور است. روش مطالعه در تحقیق حاضر به صورت کتابخانه‌ای (مروری) بوده است. برای این منظور از مطالب موجود در مقاله‌ها و تحقیق‌های چاپ شده در این زمینه استفاده شده است.

آموزگاران نقش متفاوتی در برنامه درسی مسئله‌محور نسبت به تدریس کلاسیک دارند. آموزگاران با استفاده از مجموعه‌ای از احتمالات، می‌توانند از نقشه‌برداری برنامه درسی برای تجسم هر موضوع و ترسیم ارتباطات درون یک مسئله استفاده کنند. تنوع در کلاس مستلزم انواع مختلفی از نیازهای یادگیری است. راه‌های مختلفی برای پاسخگویی به انواع مختلف یادگیرندگان با نیازهای یادگیری ویژه از نظر رشد ذهنی و جسمی وجود دارد.

برنامه درسی

برنامه درسی به عنوان محصول برنامه ریزی درسی در نظر گرفته می‌شود. برنامه درسی به فاصله و راهی که جهت رسیدن به هدف مطلوب وجود دارد گفته می‌شود و ریشه در لاتین دارد و به معنای میدان مسابقه است.

برنامه درسی مسئله‌محور

برنامه درسی مسئله‌محور فرآیندی است که برای شناسایی مشکلات با یک سناریو برای افزایش دانش و درک استفاده می‌شود.

برخی از اصول در زیر ذکر شده است.

الف) یادگیری مستقل و خودراهبر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

(ب) یادگیری در یک گروه اتفاق می افتد و آموزگار یک تسهیل کننده است.
(پ) همه گروه ها باید به طور مساوی شرکت کنند.
(ت) یادگیرندگان در مورد انگیزه، کار تیمی، حل مسئله و مشارکت با کار یاد می گیرند.
(ث) از مطالبی مانند داده ها، عکس ها، مقالات میتوان برای حل مشکل استفاده کرد. (Fogarty and pete, 2007).
مشکلات همیشه تفکر و یادگیری را بسیج و تحریک کرده اند، وقتی مشکلات به عنوان مرتبط و مهم تجربه می شوند به فعالیت ما انرژی می بخشند و توجه ما را متمرکز می کنند، مردم انگیزه می یابند که انرژی خود را به سمت حل آنها هدایت کنند. اگرچه یادگیری مبتنی بر مشکل از ابتدای زمان، در آموزش عالی ظاهر شده است. اکنون در قرن بیست و یکم آموزگاران و سایر متخصصان در سراسر جهان از برنامه درسی مسئله محور در رشته های مختلف استفاده می کنند. بسیاری از آموزگاران حتی در آموزش عالی اکنون در طراحی و استفاده از مسائل بسیار با تجربه هستند و با روش های برنامه درسی مسئله محور که بخشی از آموزش عالی بوده اند، راحت هستند. برنامه درسی مسئله محور را می توان در هر موقعیت یادگیری متحد کرد. مهارت های تفکر انتقادی، توانایی های حل مسئله و مهارت های ارتباطی نتیجه برنامه درسی مسئله محور هستند. می تواند توانایی مهارت های مشارکتی، یافتن و ارزیابی برای یادگیری مادام العمر را افزایش دهد.
برنامه درسی مسئله محور یک مدل درسی است که حول مسائل زندگی واقعی بدون ساختار و باز طراحی شده است (Lesch, 2007). به عنوان یک فرآیند تحقیق، سؤالات، کنجکاوی ها، تردیدها و عدم قطعیت های مربوط به پدیده های پیچیده زندگی واقعی را حل میکند (Barell, 1998). برنامه درسی مسئله محور از مشکلات به عنوان نقطه شروع برای کسب دانش استفاده می کند. مشکل یادگیرندگان را به تحقیق سوق می دهد. آموزگاران یادگیری یادگیرنده را از طریق پرسش، تحقیق و ایفای نقش تسهیل می کنند و در نتیجه تفکر یادگیرندگان را به چالش می کشند و سطوح عمیق تر درک را تسهیل می کنند. یادگیرندگان حل کننده و یادگیرنده فعال مشکل هستند و آموزگاران آموزگار هستند. یادگیرندگان یک مشکل واقعی را شناسایی می کنند و از طریق تحقیق فعال به راه حل قابل قبولی می رسند. آنها سوال را تفسیر می کنند، اطلاعات اضافی را جمع آوری می کنند، راه حل های ممکن را ایجاد میکنند، گزینه ها را برای یافتن بهترین ها ارزیابی می کنند و سپس آن راه حل ها را ارائه می دهند.

یادگیری کلاسیک در مقابل یادگیری مسئله محور

در رویکردهای کلاسیک یادگیری مبتنی بر روش کلاسیک، ابتدا داده ها به روش کلاسیک یادگیری ارائه می شود، اما در برنامه درسی مسئله محور مسائل برای حل مسئله به یادگیرندگان ارائه می شود. چالش ها زمانی تشدید می شوند که آموزگاران نتوانند بحث های گروهی را تسهیل کنند، مسائل معتبری بسازند و یادگیرندگان را در فرآیند حل مسئله راهنمایی کنند. به طور مشابه، یادگیرندگان وقتی نمی توانند به خوبی در گروه کار کنند، به طور فعال تصمیم گیری یا ایده های مرتبط با مشکل را تولید کنند، شکست می خورند. یادگیرندگان همچنین ممکن است از نظر تحلیل انتقادی که در برنامه درسی مسئله محور حیاتی است شکست بخورند. در واقع در رویکرد کلاسیک آموزگار خود نیز مسئله را پیدا میکند و سپس به آن پاسخ میدهد. اما در رویکرد مسئله محور که خود جزئی از برنامه درسی یادگیرنده محور است، یادگیرنده خود نیز اقدام به پیدا کردن و کشف مسئله می کند و سپس یا به کمک آموزگار (اکتشافی هدایت شده، یعنی آموزگار سوال را می دهد و راهبرد و اصول را نمی گوید) و یا آموزگار راهبرد را می گوید سوال را نمی گوید) و یا بدون راهنمایی آموزگار (اکتشافی هدایت نشده) اقدام به کشف مسئله و سپس مسئله گشایی می کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نقش آموزگار در یادگیری مسئله محور

آموزگاران نقش متفاوتی برنامه درسی مسئله محور در نسبت به تدریس کلاسیک دارند. اول، آموزگار مسئله را توسعه می دهد و آن را در برنامه درسی قرار می دهد. سپس فعالیت ها و منابع یادگیری متنوعی را برای کمک به یادگیرندگان فراهم می کند تا اطلاعات جدید را به دانش قبلی مرتبط کنند. متعاقباً، آموزگار یادگیرندگان را از طریق مشکل راهنمایی و راهنمایی می کند. کوچینگ شامل دادن نکات یا سرنخها، ارائه بازخورد، هدایت مجدد تلاشهای یادگیرنده و کمک به یادگیرندگان برای انتخاب و به کارگیری استراتژیهای مختلف است. علاوه بر این، در برنامه درسی مسئله محور، آموزگار در اختیار و مسئولیت سهیم است با یادگیرندگان، تبدیل شدن به همکار یادگیرنده و محقق. در مرحله آخر، زمانی که یادگیرندگان در حال حل مشکل هستند، آموزگار عملکرد آنها را ارزیابی می کند. از این رو، آموزگاران که مایل به استفاده از رویکرد برنامه درسی مسئله محور هستند، نقش طراح برنامه درسی، تسهیل کننده، راهنما و آموزگار، و ارزیاب را بر عهده می گیرند (Delisle, 1997).

همچنین آموزگار مسئول طراحی و شناسایی مشکلاتی است که باید پیچیده و مبهم باشد تا یادگیرندگان را تشویق به پرس و جو در مورد آن کند. آنها می توانند تحقیق را با راه حل ها و نتیجه گیری معقول انجام دهند. آموزگار باید مسئله را متناسب با درس، جدید و ناآشنا و مرتبط برای استفاده در محیط های کاری طراحی کند. آموزگار آموزگار، تسهیل کننده است و آموزگار با یادگیرندگان می تواند به صورت گروهی کار کند. آموزگار می تواند گروه های مختلفی را با مهارت های متفاوت برای دستیابی به تغییرات و نتایج بیشتر بسازد.

نقش یادگیرندگان در برنامه درسی مسئله محور

در طول برنامه درسی مسئله محور یادگیرندگان نقش های مختلفی را برای حل مسئله ارائه شده بر عهده می گیرند. آنها نقش یادداشت بر یا عضو تیم را تغییر می دهند. یادگیرندگان مشکل را بررسی می کنند و برای فعالیت های خود برنامه ریزی می کنند تا مشکل را مدیریت کنند. از طریق این اکتشاف، یادگیرندگان می توانند دانش و مهارت های خود را نیز بررسی کنند که چگونه زمان را مدیریت کنند.

برنامه درسی مسئله محور یک مدل آموزشی مبتنی بر پرسش است که در آن یادگیرندگان با مسائل دنیای واقعی درگیر هستند. در حالی که خود یادگیرندگان در حال یادگیری شکاف های دانش خود را شناسایی می کنند و می توانند تحقیقاتی را برای آینده طراحی کنند. بر اساس این روش های جدید، فراگیران می توانند مسئولیت یادگیری خود را بر عهده بگیرند. از طریق کار گروهی یادگیرندگان می توانند حل مسئله، مهارت های فراشناختی و انگیزه را تقویت کنند.

۳. مبانی نظری برنامه درسی مسئله محور

برخی از نکات کلیدی زیر برای فراگیران برنامه درسی مسئله محور وجود دارد:

۱. یادگیرندگان باید دانش، مفروضات و تجربیات پیش زمینه ای داشته باشند.
۲. یادگیری در زمینه مشارکتی در زمینه اجتماعی اتفاق می افتد.
۳. اطلاعات ناآشنا را می توان با استراتژی های اعمال شده، رسیدگی به مشکلات با راه حل های خوب طراحی شده مقابله کرد.
۴. مسائل یادگیرنده محور باید طراحی شوند.
۵. یادگیری خودراهبری می تواند اتفاق بیفتد.
۶. حل مسئله می تواند انگیزه یادگیری باشد.
۷. در طول فرایند یادگیری، بازتاب انتقادی اتفاق می افتد

نکته مهم این رویکرد این است که یادگیرندگان مسئول یادگیری خود هستند، نحوه استفاده از دانش قبلی و نحوه کسب دانش را یاد می گیرند. رویکرد برنامه درسی مسئله محور تمرکز بیشتری بر ارزیابی خود و همتایان، ارتباطات و مهارت های بین فردی دارد. مشاهده شده است که برنامه درسی مسئله محور انگیزه یادگیری عمیق را ایجاد می کند، یادگیرندگان برای درک و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جستجوی معنا یاد می گیرند، در حالی که رویکرد آموزگار وارد شده برای کمک به یادگیری سطحی با درک کمتر می شود. برخی از نظریه پردازان معتقدند که برنامه درسی مسئله محور می تواند شیوه های جدید تفکر و یادگیری را بهبود بخشد. این باعث افزایش رشد شخصی، فعال تر، افزایش اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری آنها می شود. در گروه های کوچک یادگیرندگان می توانند مشکل خود را به اشتراک بگذارند، بتوانند ایده های خود را به شیوه ای بهتر بیان کنند، دانش مفهومی خود را بهبود بخشند و موقعیت های مشکل را مدیریت کنند.

مدل آموزش و یادگیری برنامه درسی مسئله محور

هنگامی که فرآیند برنامه درسی مسئله محور در کلاس های درس اجرا می شود، شامل رویدادهای زیر می شود (Torp and Sage 1998):

(الف) با مشکل روبرو شوید: یادگیرندگان را برای حل مشکل ترغیب کنید.

(ب) شناسایی آنچه می دانیم، آنچه باید بدانیم، و ایده هایمان: یادگیرندگان را در ایجاد آگاهی از آنچه می دانند (دانش قبلی آنها از موقعیت)، آنچه که باید بدانند، و ایده هایشان در مورد موقعیت، حمایت کنید.

(ت) بیان مسئله را تعریف کنید: یادگیرندگان را در بیان مسئله یا مشکل اصلی در شرایطی که با آن مواجه شده اند، حمایت کنید.

(ث) جمع آوری و به اشتراک گذاری اطلاعات.

(ج) ایجاد راه حل های ممکن: به یادگیرندگان کمک کنید تا طیف کاملی از گزینه های ممکن را برای پرداختن به مشکلی که تعریف کرده اند بیان کنند.

(چ) تعیین بهترین راه حل: از یادگیرندگان بخواهید که فواید و پیامدهای هر راه حل را ارزیابی کنند.

(ح) راه حل را ارائه دهید.

(خ) خلاصه: از یادگیرندگان بخواهید با هم در مورد آنچه یاد گرفته اند فکر کنند.

متخصصان مراحل مشابهی را برای هدایت برنامه درسی مسئله محور برای یادگیرندگان (بازدید از مشکل، بررسی مجدد مشکل، تولید محصول یا عملکرد، و در نهایت ارزیابی عملکرد و مشکل) پیشنهاد می کنند. (Delisle, 1997). برای استفاده از برنامه درسی مسئله محور در کلاس های ما، آموزگار می تواند برخی از مراحل اساسی را طراحی و اجرا کند که عبارتند از: (الف) اول از همه، نتایج یادگیری را شناسایی کنید که می تواند با برنامه درسی مسئله محور سازگار باشد. پس از آن، ارزیابی ها، بازتاب های یادگیری، ایجاد روبریک هایی که برای ارزیابی برنامه درسی مسئله محور مهم هستند، می توانند توسط آموزگار ایجاد شوند.

(ب) طرح کلی یک مشکل واقعی را که از طریق طوفان فکری یادگیرندگان پدیدار می شود، تهیه کنید. مشکل باید واقعی و مرتبط با دوره باشد. بسیار مهم است که مسائل مناسبی را طراحی کنیم که آنها را به تفکر، بحث، تحقیق و یادگیری برانگیزد.

(پ) یادگیرندگان می توانند تحقیق خود را با یک مسئله "آسان" آغاز کنند و آموزگار می تواند انتظارات را معرفی کند. آموزگار می تواند جلساتی را در رابطه با مسئله ای که به آنها محول شده (دانش پیشینه) موضوعات تحقیق، یافتن داده ها و غیره ترتیب دهد. پس از آن یادگیرندگان می توانند نقش ها و مسئولیت های خود را برای درک کامل مسئله تعیین کنند.

(ت) یادگیرندگان می توانند منابع را برای توسعه تحقیقات، یافته ها، راه حل ها و یادگیری خود ارائه و ترکیب کنند.

(ث) آموزگار می تواند برای تعیین اینکه آیا یادگیرندگان به طور معناداری مشارکت داشته اند یا خیر، روبریک هایی ایجاد کند. این نوع تحقیق می تواند برای مطالعه آینده آنها نیز بسیار مفید باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

محاسن و معایب برنامه درسی مسئله‌محور

برخی از منتقدان توانایی آموزگاران برای راه اندازی یک برنامه درسی مبتنی بر مشکل را زیر سوال می‌برند. از یک سو، ممکن است برخی آموزگاران استفاده از کتاب‌های درسی یا مواد ضد آموزگار (و کتاب‌های درسی الکترونیکی، مانند مورد اخیر در هنگ کنگ) را امن‌تر و صحیح‌تر بدانند. از سوی دیگر، آنها ممکن است نگران باشند که محتوا و تمرکز طرح‌های مسئله‌محور با آنچه که در طول آموزش آموزگار آموخته‌اند، کاملاً متفاوت است. در هنگ کنگ، طراحی برنامه درسی مدارس در مدارس متوسطه، موسسات آموزش آموزگاران، و دانشگاه‌ها عمدتاً مبتنی بر موضوع و کتاب درسی است و فضای بسیار کمی برای آموزگاران برای اصلاح و طراحی رویکرد مبتنی بر مشکل باقی می‌گذارد. (Marsh, 1997). همچنین خاطرنشان می‌کند که روش مسئله‌محور در بین آموزگاران محبوب نیست. او معایب این رویکرد برنامه درسی را به شرح زیر خلاصه می‌کند:

(الف) در مقایسه با سایر اشکال آموزشی، زمان کلاس و زمان خارج از مدرسه بسیار زیاد است.

(ب) بسیاری از یادگیرندگان رویکردهای یادگیری غیرفعال را ترجیح می‌دهند.

(پ) اگر موضوعات بحث برانگیز در جوامع محلی بررسی شود، می‌تواند به موقعیت‌های شرم آور منجر شود.

(ت) ارزیابی آن در مقایسه با آزمون‌های کلاسیک دشوار است.

علاوه بر این، برنامه درسی بازسازی اجتماعی (که هدف اصلی آن مشارکت دادن یادگیرندگان در تحلیل انتقادی مسائل اجتماعی و سیاسی در جامعه محلی، ملی و بین‌المللی است) به دنبال آموزگاران با "آموزش عالی" است (Beane 1997). آموزگاران و توسعه‌دهندگان برنامه درسی باید آموزگاران باشند که معتقدند برنامه درسی مدرسه باید به نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی رسیدگی کند. به عبارت دیگر، آنها خودشان باید مفهوم گرا باشند که هدفشان بازسازی جامعه است. این چشم‌انداز و مأموریت به نحوی ممکن است با موضع رسمی برخی جوامع سازگار نباشد. متخصصان آموزشی که طرفدار طراحی بازسازی گرا هستند باید سخت‌کوش کنند تا این نوع طراحی برنامه درسی را در مدارس اجرا کنند.

با این وجود، باید مراقب بود زیرا چنین رویکردی چالش برانگیز است و بیان آن آسان نیست. هنسون نتیجه می‌گیرد که برنامه درسی مسئله‌محور می‌تواند یادگیرندگان را برای دستیابی به یادگیری عمیق با صرف زمان قابل توجهی روی موضوعات کمتر و با تشویق یادگیرندگان به بررسی هر موضوع از دیدگاه‌های متعدد تسهیل کند. از این رو، یادگیرندگان باید ذهن منضبط را پرورش دهند و آموزگاران باید بدانند چگونه ذهن‌های منضبط را پرورش دهند.

بسیاری از مردم حل مسئله را یک ضرورت برای رویارویی با چالش‌های آینده می‌دانند. از این رو، برنامه درسی مسئله‌محور هنوز یک طرح برنامه درسی ارزشمند است.

برنامه درسی مسئله‌محور مهارت‌های یادگیری فعال و مادام‌العمر را پرورش می‌دهد. یادگیری خودراهبر را برای رویارویی با یادگیرندگان با مشکلات تقویت می‌کند و آنها را به سمت یادگیری عمیق تحریک می‌کند، این به معنای "تفصیل دانش در زمان یادگیری" است. یادگیری مشارکتی به آنها این امکان را می‌دهد که موقعیت‌های زندگی واقعی را مورد توجه قرار دهند، و برای یادگیرندگانی که برای درک مفاهیم انتزاعی تلاش می‌کنند جذاب باشد. شرکت در گروه‌ها، کمک به یادگیرندگانی که در طول کار انفرادی برتری ندارند، مطالب جدید را درک کنند. در مورد ایده‌ها و چالش‌های احتمالی به شیوه‌ای سازنده بحث کنید. یادگیرندگان به طور کامل درگیر جست‌وجو و جمع‌آوری داده‌ها برای یافتن راه‌حلی برای مشکلی هستند که به آنها اختصاص داده شده است.

به دلیل تعامل مداوم با یادگیرندگان، رابطه آموزگار و یادگیرنده بهبود می‌یابد. در کلاس درس مبتنی بر رویکرد مسئله‌محور آموزگار به شکل کلاسیک نیست، در اینجا او تسهیل‌کننده، راهنما و راهنما است. یادگیرندگان احساس راحتی می‌کنند که با آموزگار صحبت کنند.

تنظیمات کلاس درس که در آن رویکرد غالب مسئله‌محور است، کاملاً متفاوت است، آنها ایده‌های خود را به صورت گروهی ارائه می‌کنند و در صورت نیاز آن را بازبینی می‌کنند. این به آنها کمک می‌کند تا تعامل و ارتباط موفقی ایجاد کنند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بیشتر اوقات یادگیرندگان با برنامه مسئله‌محور مشغول هستند تا بتوانند برای کسب نمرات خوب با مشکل مواجه شوند. برنامه درسی مسئله‌محور نیاز به مشارکت و مشارکت کامل یادگیرندگان دارد، اما برای همه یادگیرندگان می‌تواند همیشه دشوار باشد. گاهی اوقات ممکن است احساس بی‌تفاوتی کنند. مشارکت ممکن است به تأخیر بیفتد زیرا برخی از یادگیرندگان برای درک مشکل نابالغ هستند. همچنین موارد دیگری به در این خصوص وجود دارد که عبارتند از:

الف) یادگیرندگان نمی‌توانند ایده مسئله پایان باز را درک کنند.

ب) یادگیرندگان ممکن است برای ایجاد و یافتن راه حل مسئله به دانش انتزاعی نیاز داشته باشند.

پ) برای نظارت بر فعالیت های برنامه درسی مسئله محور، آموزگاران باید آموزش ببینند تا بتوانند بر روی مشکل تمرکز کنند. رویکرد مسئله‌محور به عنوان یک رویکرد سازنده در نظر گرفته می‌شود زیرا مولفه های اساسی بازخورد و تأمل در فرآیند یادگیری است. یادگیرندگان به عنوان یک عامل فعال در ساخت دانش اجتماعی کار می‌کنند.

برنامه درسی متمایز

توجه به تفاوت های فردی فراگیران یک عنصر مهم از برنامه درسی یادگیرنده محور است. پس از راه اندازی آموزش اجباری دوازده ساله، شناخت تنوع یادگیری در کلاس های امروزی ضروری است. عناصر کلیدی در این خصوص بدین صورت است که: برنامه درسی متمایز باید تنوع بیشتر و انتخاب های بیشتری را برای یادگیرندگان فراهم کند تا متناسب با نیازها، علایق و توانایی های آنها باشد.

تنوع در کلاس مستلزم انواع مختلفی از نیازهای یادگیری است. راه های مختلفی برای پاسخگویی به انواع مختلف یادگیرندگان با نیازهای یادگیری ویژه از نظر رشد ذهنی و جسمی در دسترس است. بخش های بعدی بر معرفی اصل طراحی یک برنامه درسی متمایز و اتخاذ سبک های تدریس مختلف برای برآوردن نیازهای فردی در کلاس های با توانایی مختلط متمرکز است، جایی که برخی از یادگیرندگان با سرعت کمتری یاد می‌گیرند، برخی درخشان تر و برخی دیگر موفق تر هستند.

برنامه درسی و آموزش متمایز

تمایز به "مفهوم برآورده کردن نیازهای فردی هر یادگیرنده، سفارشی کردن آموزش برای کمک به یادگیرندگان برای یادگیری" اشاره دارد (فوگارتی و پیت ۲۰۰۵، ص ۳). آموزش متمایز شامل آموزش پاسخگو و فراهم کردن داربست برای یادگیری یادگیرندگان است و ممکن است شامل گروه بندی های مشارکتی و ارزیابی های جایگزین باشد (Drapeau 2004). وقتی آموزگاری آموزش را متمایز می‌کند، از این فرض عمل می‌کند که همه بچه ها با سرعت ها و روش های مختلف یاد می‌گیرند. زمینه اساسی برای آموزش متمایز، برنامه ریزی سیستماتیک یک برنامه درسی و سبک آموزشی است که با شناخت نیازهای یادگیری هر فرد و به حداکثر رساندن ظرفیت یادگیری او، نیازهای یادگیرندگان متنوع را برآورده کند.

تنوع در کلاس درس

منابع تنوع یادگیرنده در کلاس های درس با توانایی مختلط شامل توانایی های شناختی، سبک های یادگیری، عوامل اجتماعی-اقتصادی و خانوادگی، آمادگی، سرعت یادگیری، تاثیرات جنسیتی، تاثیرات فرهنگی یا قومیتی، چگونگی ارزش گذاری یادگیرندگان برای یادگیری و اعتماد آنها به یادگیری است (Heacox 2002). تاملینسون طیفی از یادگیرنده را مطرح می‌کند،

گروه‌هایی، از جمله یادگیرندگان مبارز و پیشرفته، یادگیرندگانی با میراث فرهنگی متنوع، کودکانی با پیشینه‌های مختلف، و یادگیرندگانی با علایق، آمادگی و پروفایل‌های یادگیری متفاوت. برای پاسخگویی به چنین تنوعی، برخی از اصول و استراتژی‌ها در زیر پیشنهاد شده‌اند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اصول و راهبردها

تمایز به معنای تأیید این است که یادگیرندگان نیازهای یادگیری، نقاط قوت، سبک ها، علایق و ترجیحات متفاوتی دارند (Drapeau 2004) روش‌هایی را که مدارس برنامه‌های درسی خود را متمایز می‌کنند، از جمله رویکردهای رایج زیر خلاصه کرده است:

(الف) اصلاح محتوا، فرآیند تفکر، و شکل محصول.

(ب) امکان حرکت مواد از طریق شتاب.

(پ) امکان مطالعه عمیق از طریق غنی سازی محتوا.

(ت) ارائه انواع مواد آموزشی.

(ث) ارائه فعالیت های بدون پایان.

(ج) ترکیب انتخاب آموزگار و یادگیرنده. و

(چ) امکان گروه بندی انعطاف پذیر.

صرف نظر از روش‌هایی که مدارس یا آموزگاران استفاده می‌کنند، اصول اساسی وجود دارد:

(الف) هنگام تمایز آموزش، حفظ تعهد به استانداردهای برنامه درسی و اهداف یادگیری همه یادگیرندگان بسیار مهم است.

(ب) تمایز متضمن تنوع فزاینده در تدریس، یادگیری و ارزشیابی برای دستیابی به یادگیرندگان بیشتر و پاسخگویی به ترجیحات، سبک ها، علایق و نقاط قوت آنهاست.

(پ) ارائه سطوح بالای چالش‌ها و مشارکت فعال در یادگیری دقیق، مرتبط و قابل توجه مهم است.

(ت) اهمیت و ارزش کلیه آثار دانشجویان باید تأیید شود.

(ث) فرآیندهای منصفانه و منصفانه باید برای ارزیابی یادگیری یادگیرندگان و تخصیص نمرات ایجاد شود.

با در نظر گرفتن این اصول و استراتژی‌ها، آموزگاران می‌توانند شروع به طراحی یک برنامه درسی متمایز کنند. برای شروع، آنها باید سه عنصر برنامه درسی مربوط به مفهوم تمایز را در نظر داشته باشند: تغییر، چالش و انتخاب. تغییر به معنای اصلاح چیزی است که یادگیری را برای همه قابل دسترس تر کند. چالش یعنی به چالش کشیدن همه فراگیران در سطح درک خودشان. انتخاب به معنای اجازه دادن به یادگیرندگان برای داشتن گزینه‌های واقعی در فرآیند آموزش و یادگیری است.

اول، برای پاسخ به تفاوت‌های فردی، آموزگاران باید تغییر چیزی اساسی را در نظر بگیرند. این ممکن است شامل محتوا، فرآیند یا محصول یادگیری کلاس درس باشد. محتوا بیانگر آن چیزی است که آموزگاران می‌خواهند یادگیرندگان یاد بگیرند، مانند ایده‌ها و اطلاعات ضروری. فرآیند شامل فعالیت‌های یادگیری است که یادگیرندگان از طریق آنها یاد می‌گیرند. محصول نتیجه است و نشان می‌دهد که یادگیرندگان واقعاً یاد گرفته‌اند. برای اطمینان از اینکه همه یادگیرندگان یاد می‌گیرند، آموزگاران ممکن است یک یا چند عنصر درسی را در هر نقطه از یک درس یا واحد، بر اساس ویژگی‌های متنوع کودکان درگیر، تطبیق داده و تغییر دهند.

دومین عنصر درسی که باید تغییر کند، فرآیند آموزش و یادگیری است. آموزگاران باید درس‌ها را به روش‌هایی بی‌نظیر و جذاب برای یادگیرندگان بسازند، یادگیرندگانی که از نظر آمادگی، علاقه و مشخصات یادگیری متفاوت هستند. آموزگاران می‌توانند فرآیند را با انواع فعالیت‌ها تغییر دهند.

در نهایت، آموزگاران می‌توانند آموزش را با تغییر محصول متمایز کنند. این به معنای تغییر نقاط خروجی برای بیان یادگیری

یادگیرندگان است. یادگیرندگان در هنگام یادگیری تمایلات متفاوتی دارند و همچنین ممکن است ترجیحات متفاوتی برای

بیان آن نشان دهند. آموزگاران باید به یادگیرندگان اجازه دهند تا در صورت امکان، خودشان تعیین کنند که چگونه می‌توانند آنچه را که در مورد موضوعات خاص می‌دانند به بهترین شکل نشان دهند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تسلط یادگیری

یک جایگزین مهم برای پاسخگویی به تفاوت های فردی در کلاس درس، مدل یادگیری تسلط است. این مدل «تمام یادگیرندگان را فرا می خواند تا بر مجموعه ای از اهداف مشترک تسلط پیدا کنند، اما تفاوت های فردی در زمان یادگیری را امکان پذیر می کند» (Brophy, 2004). به طور کلاسیک، مردم توانایی را چیزی ثابت و تا حد زیادی از پیش تعیین شده می دانند. از این رو، آنها معتقدند که برخی از کودکان نسبت به سایرین توانایی بیشتری در یادگیری دارند. مدل ارائه شده توسط کارول استدلال می کند که تفاوت عمده بین یادگیرندگان عامل "زمان" است. در حالی که برخی از یادگیرندگان می توانند سریع تر به اهداف یادگیری تسلط پیدا کنند، برخی این کار را کندتر انجام می دهند. با توجه به زمان بیشتر، یادگیرندگان کند در نهایت به تمام اهداف یادگیری تعیین شده در یک برنامه درسی تسلط خواهند داشت. کارول پیشنهاد می کند که درجه یادگیری مستقیماً با نسبت زمانی که واقعاً توسط یادگیرنده صرف یک کار می شود، تقسیم بر زمان مورد نیاز یادگیرنده برای تسلط بر خواسته های آن کار، متناسب باشد. اصول یادگیری تسلط بخش عمده ای از منطق رویکردهای برنامه درسی فعلی، مانند آموزش مبتنی بر نتیجه را تشکیل می دهد.

بحث و نتیجه گیری

از این طریق یادگیرندگان برنامه درسی مسئله محور را یاد می گیرند که در گروه کار کنند، در فرایند آموزش/یادگیری شریک شوند، جایی که می توانند با موفقیت کار کنند، می توانند با موقعیت های جدید برخورد کنند و مهارت های یادگیری مادام العمر را توسعه دهند. روش خاموش یکی از روش هایی است که در دهه ۱۹۷۰ برای برجسته کردن حوزه شناختی در یادگیری توسعه یافت. راه خاموش بر کشف، خلاقیت و حل مسئله از جمله مواد آموزشی تمرکز دارد. هدف اصلی این رویکرد بهبود شایستگی و مهارت های کلی یادگیرندگان است. مزیت اصلی این روش آشنایی یادگیرندگان با مسائل دنیای واقعی و افزایش اعتماد به نفس آنهاست. همچنین مهارت شبکه سازی، ارزش کار تیمی و قدردانی از رویکرد بین رشته ای را افزایش می دهد. اما این رویکرد نیاز به در نظر گرفتن آموزگار، ارتباط بین تیم برای دستیابی به نقاط عطف لازم دارد. نیاز به پرداختن به تفاوت های فردی در کلاس های درس در دهه های اخیر به قدری ضروری بوده است وارد حوزه برنامه درسی یادگیرنده محور شده است. یادگیرندگان نیاز های متفاوتی دارند که آنها را در برابر مسائل متعددی قرار می دهند و آنها را از هم متمایز می سازد. آموزگاران می توانند آموزش را با تغییر محصول متمایز کنند. تمایز به معنای تأیید این است که یادگیرندگان نیازهای یادگیری، نقاط قوت، سبک ها، علایق و ترجیحات متفاوتی دارند. اگر آموزگاران به ویژگی های متمایز یادگیرندگان توجه نمایند می توانند برنامه درسی مسئله محور را بر اساس ویژگی های فردی یادگیرندگان و مختص هر یادگیرنده تنظیم نمایند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع

- [1] Barell, J. (1998). PBL: An Inquiry Approach. Arlington Heights, IL. SkyLight Training and Publishing.
- [2] Brophy, J. (2006). Observational Research on Generic Aspects of Classroom Teaching.
- [3] Beane, J. A. (1997). Curriculum integration: Designing the core of democratic education. Teachers College Press.
- [4] Delisle, R. (1997). How to use problem-based learning in the classroom. Ascd.
- [5] Drapeau, P. (2004). Differentiated instruction: Making it work: A practical guide to planning, managing, and implementing differentiated instruction to meet the needs of all learners. Scholastic.
- [6] Fogarty, R. J., & Pete, B. M. (2007). How to differentiate learning: Curriculum, instruction, assessment. Corwin Press.
- [7] Heacox, D. (2002). Differentiating instruction in the regular classroom: How to reach and teach all learners, grades 3-12. Minneapolis, MN: Free Spirit. McHugh, MW (2007). Differentiating Instruction in the Regular Classroom: How to Reach and Teach. Journal for the Education of the Gifted.
- [8] Larsen-Freeman, D., & Anderson, M. (2013). Techniques and principles in language teaching 3rd edition-Oxford handbooks for language teachers. Oxford university press.
- [9] Lesch, L. (2007). How to Prepare Students for the Information Age and Global Marketplace: Creative Learning in Action. Rowman & Littlefield Education.
- [10] Marsh, C. J. (1997). Planning, Management and Ideology, Key Concepts for Understanding Curriculum 2, London, and Washington D.
- [11] Torp, L., & Sage, S. (1998). Problems as possibilities: Problem-based learning for K-12 education. Ascd.